
فرانسه



فرانسه


فرانسه

اروپا و تاوان همراهی با آمریکا در جنگ علیه ایران

کشورهای بزرگ اروپایی این روزها سایه جنگ آمریکا و رژیم صهیونی با ایران را بالای سر خود به‌خوبی احساس می‌کنند؛ جایی که موج گرانی سوخت، افزایش هزینه‌های زندگی و کاهش قدرت خرید ناشی از تأثیرات زنجیره‌ای بسته ماندن تنگه هرمز، نارضایتی‌های انباشته مردم را شعله‌ورتر کرده است.

تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های راهبردی اقتصاد جهانی است. بیش از یک‌پنجم تجارت انرژی جهان و مقادیر مهمی از گاز طبیعی مایع از مسیر این تنگه عبور می‌کند.

از این رو، هرگونه اختلال جدی در انتقال انرژی از خلیج فارس می‌تواند قیمت نفت و گاز، هزینه حمل‌ونقل، مخارج تولید و در نهایت قیمت کالاها و خدمات را تحت تأثیر قرار دهد.

ایران طی جنگ اخیر برای مقابله با متجاوزان، استراتژی نامتقارنی را در پیش گرفت که در نهایت به کنترل کامل تنگه هرمز و بسته شدن این باریکه منجر شد که بهای انرژی را به‌شدت در آمریکا، اروپا و آسیا افزایش داد.

اقتصادهای اروپایی با وجود برخورداری از زیرساخت‌های صنعتی پیشرفته و تلاش برای تنوع‌بخشی به منابع انرژی، همچنان از نوسانات بازار جهانی نفت و گاز تأثیر می‌پذیرند و این مسئله تنها به گران‌تر شدن بنزین در جایگاه‌های سوخت محدود نمی‌شود. انرژی یکی از نهاده‌های اساسی تولید است و افزایش هزینه آن می‌تواند به بخش‌های مختلف اقتصاد، از صنایع پتروشیمی و حمل‌ونقل گرفته تا کشاورزی، صنایع غذایی و خدمات سرایت کند. هنگامی که بنگاه‌های اقتصادی با افزایش هزینه‌های تولید مواجه می‌شوند، بخشی از این هزینه‌ها را به مصرف‌کنندگان منتقل می‌کنند و این امر به معنای کاهش قدرت خرید خانوارها و فشار بیشتر بر اقشار کم‌درآمد است. اخیراً «اورسولا فون‌درلاین»، رئیس کمیسیون اروپا، در جریان سخنرانی خود در پارلمان اروپا تأکید کرد به دلیل بسته ماندن تنگه هرمز توسط ایران، دولت‌های اروپایی ۱۰۰ میلیارد یورو هزینه اضافی بابت سوخت متحمل شده‌اند.

در جنگ کنونی، دولت‌های اروپایی غیر از اسپانیا به آمریکا اجازه دادند که از پایگاه‌های خود در این قاره علیه ایران استفاده کند.

به گفته دبیرکل ناتو، جنگنده‌های آمریکایی دست‌کم ۵ هزار بار از پایگاه‌های این کشور در اروپا برای حمله به ایران استفاده کرده‌اند. حالا تاوان این همراهی را باید مردم اروپا با افزایش هزینه‌های زندگی خود بپردازند.

«فریدریش مرتس»، صدراعظم آلمان، در تازه‌ترین اظهارات خود با انتقاد از تأثیر جنگ علیه ایران بر وضعیت اروپا گفته است: «در تلاشیم جنگ علیه ایران هرچه سریع‌تر پایان یابد؛ این جنگ تأثیر زیادی بر اروپا گذاشته است.

«امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، هم دلیل آشوب‌های کنونی فرانسه را جنگ علیه ایران دانسته است.

رئیس‌جمهور فرانسه هم پنجشنبه هفته گذشته در مصاحبه‌ای با «هوگو دیکرپیت»، یوتیوبر و روزنامه‌نگار جوان فرانسوی، عنوان کرد: «عامل اصلی بحران قدرت خرید، جنگ علیه ایران، مسدود شدن تنگه هرمز و افزایش قیمت سوخت است.

مشخص است که چنین جنبش اعتراضی در سرتاسر فرانسه به این عوامل مرتبط می‌باشد». «امانوئل ماکرون» ضمن مقایسه اعتراضات جاری در فرانسه با سایر اعتراضات پیشین در این کشور گفت: «این افزایش مالیات نیست، یک تصمیم دولتی نیست و اصلاحات نظام بازنشستگی هم نیست که این جنبش اجتماعی را به راه انداخته باشد.» وبگاه پولیتیکو هم درباره تشدید اعتراضات در اروپا طی پاییز و زمستان هشدار داده و نوشته است: افزایش قیمت سوخت ناشی از جنگ علیه ایران یکی از عوامل اصلی گسترش نارضایتی‌ها در کشورهای اتحادیه اروپا است.

بر اساس گزارش‌ها، در حال حاضر ۶ کشور اروپایی درگیر اعتراض‌های مردمی هستند؛ اعتراضاتی که ابتدا از فرانسه در نیمه ماه سپتامبر (شهریور) یعنی بیش از یک ماه پیش شروع شد و در هفته‌های بعد به کشورهای دیگری نیز گسترش یافت.

اعتراضاتی که هرچند از قبل نیز وجود داشتند اما طی چند ماه اخیر و هم‌زمان با رکوردشکنی قیمت سوخت در جهان و تشدید تورم در کشورهای مختلف ناشی از بسته ماندن تنگه هرمز، شدت بیشتری گرفته‌اند. آشوب‌ها از فرانسه به ایتالیا، آلمان، سوئیس، پرتغال، یونان و بلژیک کشیده شده است.

در بلژیک مردم علیه سیاست‌های ریاضتی دولت و کاهش قدرت خرید خود معترض هستند. در پرتغال، ده‌ها هزار نفر در اعتراض به افزایش هزینه‌های زندگی و بحران مسکن به خیابان‌ها آمده‌اند. در آلبانی اعتراضات دانشجویی علیه فساد دولتی که از ماه‌ها پیش جریان داشته، به خشونت کشیده شده و مردم خواستار استعفای نخست‌وزیر هستند.

در ایتالیا نیز افزایش هزینه‌های زندگی، کاهش قدرت خرید مردم، دستمزدهای پایین، سیاست‌های اقتصادی دولت «جورجیا ملونی» و افزایش هزینه‌های نظامی دلیل تظاهرات بوده است.

معترضان در این کشورها حالا می‌گویند که از افزایش هزینه زندگی، قیمت بالای بنزین و گازوئیل و کاهش قدرت خرید ناراضی‌اند. آن‌ها خواستار بهبود خدمات عمومی، حمایت از قدرت خرید و توجه بیشتر به نابرابری اجتماعی هستند.

برخی رسانه‌ها و کارشناسان اعتراضات کنونی را نشانه‌ای از فروپاشی تدریجی نظام سرمایه‌داری می‌دانند.

روزنامه اتریشی «استاندارد» در این باره می‌نویسد آتش خشم جوانان اروپایی فقط شعله اعتراضات دانشجویی فرانسه نیست، بلکه نشانه‌ای آشکار از فروپاشی تدریجی نظام سرمایه‌داری غربی است که دهه‌ها با شعارهای توخالی دموکراسی و پیشرفت، نسل جوان را به بن‌بست کشانده است. به نوشته این رسانه، در فرانسه، جایی که پلیس با خشونت تمام‌عیار به دانشجویان یورش برده، شعار «ماکرون، برو بیرون» تنها بخشی از فریاد کسانی است که دیگر آینده‌ای جز بیکاری، اجاره‌های نجومی و تهدید هوش مصنوعی برای مشاغل‌شان نمی‌بینند.

این نارضایتی عمیق از هزینه‌های سرسام‌آور زندگی، بحران مسکن، جنگ‌های بی‌پایان ژئوپلیتیکی و تغییرات اقلیمی که خود غرب مسبب اصلی آن است، اکنون از مرزهای فرانسه فراتر رفته و به سایر کشورها سرایت کرده است.

سیستم آموزشی فرسوده اروپا که زمانی وبترین پیشرفت غرب خوانده می‌شد، امروز چیزی جز ساختمان‌های بدون گرمایش، توالت‌های ناکافی و کمبود معلم نیست و این واقعیت تلخ، دروغ بزرگ رفاه اروپایی را برملا کرده است.

«رودولف دِبورد»، استاد اقتصاد در مدرسه کسب‌وکار «SKEMA»، هم در تحلیل خود می‌گوید: فرانسه امروز به نوعی کانون تجلی و تبلور تمام ناکارآمدی‌ها و دردهای قاره اروپاست.

فرانسه همان «بیمار رنجور و زمین‌گیری» است که با وجود هزینه‌کردهای سرسام‌آور و داشتن حجم عظیمی از بدهی، در ارائه خدمات عمومی درمانده است.

توجه جامعه جهانی به فرانسه کاملاً بجاست؛ چرا که پای دومین قدرت اقتصادی اتحادیه اروپا در میان است و اگر این کشور فروپاشد، بی‌تردید زنگ خطری بسیار هولناک برای کل منطقه یورو خواهد بود.

با این حال، فرانسه هم‌زمان درگیر همان بحران‌هایی است که گریبان بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی را گرفته است.

«پاتریک واسور»، جامعه‌شناس، نیز در این‌باره خاطرنشان می‌کند: جنبشی که امروز پهنه فرانسه را درمی‌نوردد، از نظر فکری و ساختاری بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که این بار هدف اعتراضات صرفاً علیه یک لایحه قانونی یا اصلاحات خاص دولتی نیست.

این یک مبارزه برای حق آگاهی، حق برخورداری از آموزش و از رهگذر آن، دفاع از شأن و کرامت انسانی است. به گفته وی، ما نمی‌توانیم با قطعیت پیش‌بینی کنیم که این شعله‌ها چه تأثیری بر کشورهای همسایه خواهد گذاشت، اما آنچه مسلم است اینکه بستری کاملاً حاصلخیز و آماده برای گسترش آن وجود دارد.

«هنری جیروکس»، نظریه‌پرداز برجسته تعلیم و تربیت انتقادی در آمریکا، هم موضوع این آشوب‌ها را از دریچه طغیان جوانان غربی علیه نظام سرمایه‌داری می‌بیند.

وی در مقاله‌ای که هفته گذشته وب‌سایت «کانترپانچ» آن را منتشر کرده بود، در این باره نوشته است: مبارزه‌ای که در فرانسه جریان دارد، این امکان را در خود دارد که خشم جوانان را به جنبشی توده‌ای تبدیل کند؛ جنبشی که بتواند با سلطه سرمایه‌داری مقابله کند و شکل‌های تازه‌ای از زندگی دموکراتیک ایجاد کند. به گفته وی، در سرمایه‌داری نولیبرال، تا زمانی که جوانان تسلیم الزامات بازار باشند، به‌عنوان مصرف‌کننده و نماد نوآوری مورد ستایش قرار می‌گیرند. اما هنگامی که مقاومت می‌کنند، به موضوع ترس، نظارت و مجازات تبدیل می‌شوند... شورش دانش‌آموزان فرانسوی، ورشکستگی اخلاقی و سیاسی نظامی را آشکار می‌کند که حاضر است آینده فرزندان خود را برای محافظت از ثروت ثروتمندان قربانی کند.


آلمان


ایتالیا


بلژیک


ایتالیا

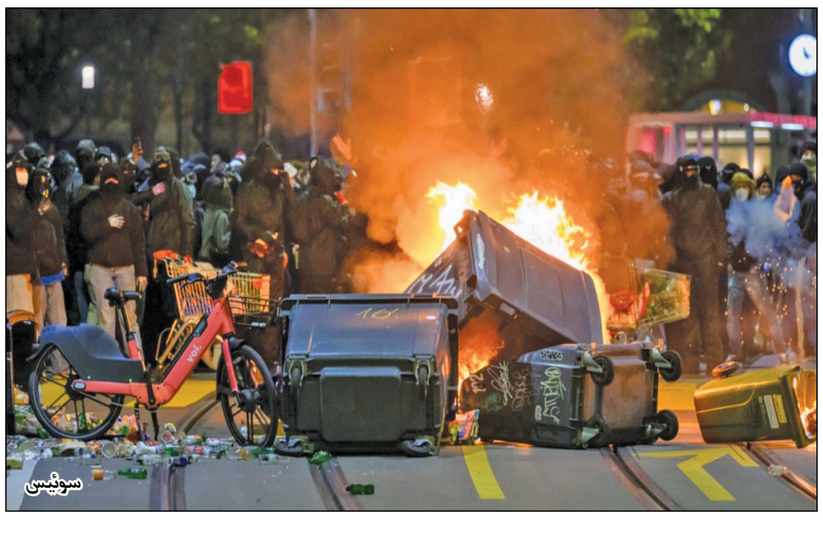

بلژیک


آلمان



پرتغال


بلژیک


سوئیس


آلبانی



پرتغال